

بنیان‌های ارزش‌شناختی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از منظر قرآن

مجید ابوالقاسم‌زاده^۱ (نویسنده مسئول) - محمد خادمی^۲

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است که افق‌های آینده انقلاب را تبیین و مشخص می‌کند. جهت رسیدن به نقشه راه عملیاتی شدن این بیانیه که نقشه جامع پیشرفت و اقتدار کشور و نیز نسخه جهانی شدن انقلاب اسلامی در ساحت تمدنی است، نه تنها نیازمند شناسایی نظام مسائل و ارائه راهکارهایی برای عملیاتی کردن آن هستیم؛ بلکه قبل از آن باید به مبانی فلسفی و بنیان‌های نظری بیانیه بپردازیم تا اتقان و اعتبار کامل آن معلوم گردد. یکی از این مبانی، مبانی ارزش‌شناختی است که به مباحثی نظیر ماهیت ارزش، انواع ارزش، مراتب ارزش، منشأ ارزش، معیار تعیین و اندازه‌گیری ارزش، واقعی یا غیر واقعی بودن ارزش، ثبات یا تغییر ارزش، مطلق یا نسبی بودن ارزش می‌پردازد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بنیان‌های ارزش‌شناختی بیانیه گام دوم آن هم از منظر قرآن کریم اشاره دارد تا علاوه بر اثبات عقلانیت ارزش‌های مطرح شده در بیانیه، خاستگاه وحیانی و قرآنی آن‌ها نیز معلوم گردد.

کلیدواژگان: ارزش، بنیان‌های ارزش‌شناختی، بیانیه گام دوم، قرآن.

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی، رئیس پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا. maz@maaref.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته مدرسی اخلاق دانشگاه معارف اسلامی. maz@maaref.ac.ir

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در چهلمین سالگرد پیروزی خود، قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد و رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد.

جهت رسیدن به نقشه راه عملیاتی شدن این بیانیه که نقشه جامع پیشرفت و اقتدار کشور و نیز نسخه جهانی شدن انقلاب اسلامی در ساحت تمدنی است، نه تنها نیازمند شناسایی نظام مسائل و ارائه راهکارهایی برای عملیاتی کردن آن هستیم؛ بلکه قبل از آن باید به مبانی فلسفی و بنیان‌های نظری بیانیه پردازیم تا اتقان و اعتبار کامل آن معلوم گردد. یکی از این مبانی، مبانی ارزش‌شناختی است.

با توجه به این که قانون اساسی اسلام و فصل الخطاب همه چیز قرآن کریم است لذا در این مقاله بر آن شدیم که به بررسی و شناخت مبانی ارزش‌شناختی موجود در بیانیه گام دوم انقلاب و تطبیق این مبانی با قرآن کریم پردازیم تا اتقان مبانی ارزش‌شناختی گام دوم انقلاب را اثبات نماییم.

این مقاله به روش بررسی اسناد کتابخانه‌ای، به جمع‌آوری مبانی ارزش‌شناختی اخلاقی پرداخته سپس برای هر مبنا مستند قرآنی آن را دنبال نموده است و در آخر با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب و دیگر بیانات مقام معظم رهبری با روش توصیفی تحلیلی، ارزش‌های موجود در آن‌ها را استخراج و در نهایت آن‌ها را با یکدیگر جمع نموده و ساختارمند نموده است و در مجموع به سیزده مبناي ارزش‌شناختی موجود در بیانیه اشاره می‌نماید.

مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به مباحث لازم است دو مفهوم مبانی و ارزش‌شناسی را تبیین نماییم، مبانی بر هر چیزی که بتواند مبنا و پایه باشد برای اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌ها، پس طبق آنچه گفته شد مبانی شامل اصول موضوعه که در علوم دیگر ثابت می‌شوند و هم شامل اصول متعارفه می‌شود. این مبانی به ۴ دسته تقسیم می‌شوند مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۸۳).

ارزش‌شناسی مدعی طرح و بررسی چیزهایی است که زندگی آدمی از آن‌ها معنا می‌گیرد و انسانیت انسان وابسته به آنهاست، یعنی ارزش‌ها، پس ارزش‌شناسی متکفل بررسی ماهیت ارزش‌ها و ضوابط و آثار آنهاست (جمشیدی، ۱۳۶۸، ص ۳۸۹) پس مباحث ارزش‌شناسی شامل مباحثی درباره تعریف ارزش، انواع ارزش، مراتب ارزش، واقعی یا غیر واقعی بودن ارزش، منشأ ارزش، معیار تعیین و اندازه‌گیری ارزش، ثبات یا تغییر ارزش، مطلق یا نسبی بودن ارزش و مانند اینهاست که تفصیل به بررسی هر یک می‌پردازیم.

یافته‌ها

در این تحقیق سیزده مبنای ارزش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است و ابتدا توضیحات مختصری در مورد آن بیان شده، سپس مستند قرآنی این مبنا را بیان می‌شود و در آخر نحوه استفاده این مبنا و ظهور و بروز آن در بیانیه گام دوم انقلاب ذکر شده است.

۱. تعریف ارزش

از آغاز آفرینش تاکنون نمی‌توان موردی را پیدا کرد که انسان‌ها فارغ از ارزش و ارزش‌گذاری نسبت به اشیاء و امور و فعالیت‌های جاری خود و دیگران زندگی کرده باشند. جهان انسان‌ها، جهان ارزش و ارزش‌گذاری است. به گونه‌ای که هیچ چیزی را در هیچ کجا نمی‌توان فارغ از ارزش‌گذاری یافت. به عبارت دیگر هرچه را بر می‌تابی و بدان اهمیت

می‌دهی، نشان از ارزشی دارد که برای آن در نظر گرفته‌ای. زندگی برای انسان در سایه سار ارزش و ارزش‌گذاری معنا، اعتبار و روایی می‌یابد. اساساً هنر انسان در توجه به ارزش‌هایی است که به زندگی او اعتبار و معنا می‌بخشد (رهنمایی، ۱۳۰۰، ص ۴۰۳). برای درک این مفهوم باید به جایگاه ارزش‌ها در یک نظام فکری و معرفتی توجه کرد. واکاوی یک نظام فکری و معرفتی، بیان‌گر سلسله‌ای از هست‌ها و نیست‌ها از یک سو و زنجیره‌ای از بایدها و نبایدها از سوی دیگر است. در تعریف ارزش، بها و مطلوبیت نقش اصلی را دارد (رهنمایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳). به عبارت دیگر معنای ارزش تقریباً مرادف با مطلوبیت است معنای عمومی واژه ارزش را با وجود تنوع کاربردش در علوم مختلف همچون اقتصاد اخلاق حقوق زیبایی‌شناسی و منطق می‌توان مطلوبیت دانست در واقع این واژه درباره چیزهایی به کار می‌رود که به نحوی خواسته فرد افراد خاص یا عموم انسان‌ها باشد برای مثال ارزش‌های اقتصادی به انواع دارایی‌ها اطلاق می‌شود که در اقتصاد مطلوب به شمار می‌روند و آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که موجب افزایش دارایی می‌شوند از همین جهت ارزشمند تلقی می‌گردد یا در اخلاق هدف زندگی است و نیز فضایل اخلاقی یا کارهایی که برای دستیابی به این آرمان مؤثر هستند ارزشمند محسوب می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲).

ارزش در لغت به معنای اسم مصدر از ارزییدن. عمل، قیمت، بها، ارز، ارج، قدر، برانزندی، شایستگی، زیندگی، قابلیت، استحقاق، اعتبار یک سند یا متاع، پولی که در سند نوشته شده به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۵۹).

در فرهنگ قرآنی هر جا به عمل صالح اشاره شده است در واقع در حال بیان ارزش‌هاست و در معنا نمودن آن، همزمان به سه سویه، انگیزه و نیت، ذات عمل و پی‌آیندهای آن توجه شده و هر یک به تنهایی ملاک ارزشیابی قلمداد نشده است (هاشمی، ۱۳۷۷). به عنوان نمونه: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/ ۹۷). وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ (طه/ ۷۵).

در سخنان رهبر معظم انقلاب کلمه ارزش با ارزش‌های اسلامی به یک معناست و در مقابل ارزش‌های آمریکایی به کار رفته است و نکته مهم‌تر این‌که کلمه ارزش با انقلاب اسلامی عجین شده است و معمولاً این کلمه وقتی که درباره انقلاب اسلامی سخن می‌گویند استفاده شده و مراد غالبی ایشان از این کلمه چیزی است که آحاد مردم و جوامع مردمی موظفند خودشان را به آن‌ها نزدیک کنند و به سمت آن‌ها پیش بروند و سعادتشان در آن است. (امام خامنه‌ای، بیانات < فهرست موضوعی > ارزش‌های انقلاب اسلامی <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2245>)

در بیانیه گام دوم انقلاب، در بخشی که به بیان مهم‌ترین ماموریت‌های نسل جوان برای گام دوم انقلاب در قالب توصیه‌ها می‌پردازد، در حال بیان مطلوب‌ها یا همان ارزش‌هاست. در این بیانیه به‌طور خاص ۹ بار کلمه ارزش تکرار شده است مانند ارزش‌های دینی، ارزش‌های الهی، ارزش‌های انقلابی، ارزش‌های معنوی، که همه اینها نشان دهنده اهمیت ارزش‌ها در این بیانیه است. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

۲. موصوف ارزش

ارزش‌ها وصف افعال اختیاری انسان قرار می‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۲) به عبارت دقیق‌تر ارزش به متعلق دستورها سلیقه‌ها و قراردادهای و نیز به اهداف، افعال، اشیا و اشخاص قابل اطلاق است (رهنمایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳).

قرآن کریم، مجموعه‌ای از ارزش‌های ثابت را مبنای آموزه‌های خود قرار داده است و انسان‌ها را دعوت به و گاه موظف نموده است که به این ارزش‌های والای انسانی پایبند باشند تا هم خودشان به آرامش برسند و هم موجب آرامش و رفاه اطرافیان و جامعه خود شوند. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند: بازگشت به نهاد پاک انسانی، اعتدال و دوراندیشی در زندگی، مسئولیت‌پذیری و صداقت در گفتار و رفتار، رعایت ادب، شکیبایی و پایداری، مردم‌داری و فروتنی، پرهیز از غیبت، تهمت، عیبجویی، مسخره کردن و... دوستی با

خوبان، بر پایه ارزش‌های خوب، احترام به پدر و مادر، دوری از تعصب و لجاجت، کسب رضایت خداوند، والاترین ارزش زندگی (خالدی، ۱۳۸۶) همانگونه که پیداست همه این ارزش‌ها متعلق به افعال اختیاری انسان است.

در بیانیه گام دوم با توجه به این که مخاطب آن ملت ایران به خصوص جوانان است، پر واضح است که آنچه به عنوان ارزش‌ها و مطلوب‌ها بیان می‌شود برای افعال اختیاری ملت ایران است که جزئی از انسان‌ها هستند.

۳. واقعی بودن ارزش در دانش‌های عملی

ارزش گاه به اموری اطلاق می‌شود که به لحاظ دستور، سلیقه یا قرارداد مطلوب هستند و گاه برای اهدافی که شایستگی دارند، افرادی که در دستیابی به این اهداف موثرند، اشیایی که برای این اهداف مناسبند و اشخاصی که مبدع این افعال یا واجد این ارزش‌ها هستند به کار می‌رود.

ارزش در نمونه‌هایی از نوع اول امری واقعی و عینی نیست یعنی مطلوب بودن متعلق به این‌گونه دستورها سلیقه‌ها و قراردادها صرف نظر از طرز تلقی خاص فرد یا افراد واقعیتی ندارد.

ولی در نوع دوم، ارزش‌گذاری تابع مطلوبیت اهدافی است که حقیقتاً شایستگی هدف قرار گرفتن را دارند افعالی که ما را به آن اهداف می‌رسانند و نیز اشیا و اشخاصی که با این اهداف تناسب دارند و اینها تابع دستور سلیقه یا قرارداد نیست. در نتیجه نمی‌توان آن‌ها را وابسته به طرز تلقی خاص فرد یا افراد دانست به عبارت دیگر این‌گونه امور واقعاً شایستگی آن را دارند که مطلوب باشند نه این که صرفاً کسی یا کسانی آن‌ها را مطلوب می‌دانند

پس در علومی که به عمل مربوط می‌شوند نیز کارها و امور به عنوان اهداف واقعی تعیین می‌شوند که صرفنظر از سلايق و علايق ما شایستگی آن را دارند که دنبال آن باشیم و در آن علوم درباره راه‌های واقعی تحقق آن اهداف ابزارهای لازم و متناسب با آن‌ها و احیاناً ویژگی‌های افرادی که می‌توانند برای تحقق آن اهداف ما کمک کنند یا به آن اهداف دست

یافتند تحقیق‌کنیم بنابراین در دانش‌هایی همچون اخلاق و تعلیم و تربیت نیز می‌توان به ارزش‌های واقعی دست یافت از این مبنا می‌توان واقعی بودن ارزش‌اهداف، ارزش‌عوامل و موانع، ارزش‌فعالیت‌ها و روش‌ها را نتیجه گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۳).

ماهیت مسائل و موضوعات دینی، ماهیت اموری واقعی است که برخی به خارج از انسان و برخی به درون وی بر می‌گردد. وجود خداوند، قرآن، پیامبر، دنیا و آخرت، اموری خارج از انسان هستند. احساسات، عواطف دینی و ایمانی و تجارب معنوی، اموری هستند که درون انسان دیندار محقق می‌شود. همچنین مراجعه‌کننده به دین، در پی پاسخ‌های واقع‌نمایانه به پرسش‌های خود است و مهم‌تر از آن، شواهدی وجود دارد دال بر این‌که گوینده قرآن و متون اصلی دینی قصد واقع‌نمایی داشته‌اند پس گزاره‌های دینی اعم از داستان‌ها، احکام، عقاید و آموزه‌های اخلاقی قرآن واقع‌نما هستند (ساجدی، ۱۳۸۱).

در بیانیه گام دوم توجه به واقعیت‌ها و اصل‌قرار گرفتن آن‌ها در ارزش‌گذاری و سپس در برنامه و عمل مورد توجه قرار گرفته است مانند: فاصله میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، توجه به بایدها و هست‌ها که همان واقعیات‌اند را متذکر می‌شود یا در جایی که به امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی سفارش می‌نماید بر واقعی بودن ارزش‌ها تأکید می‌نماید

همچنین آن‌جا که می‌فرماید: قیام‌های مارکسیستی نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. با داشتن الگوی حکومتی متناسب با اصول و آرمانها و ارزش‌ها به این نکته اشاره می‌نماید که الگوها باید مطابق با ارزش‌های همسان انتخاب شوند زیرا ارزش‌های مارکسیستی با ارزش‌های اسلامی در واقعیات‌مداری متفاوتند.

۴. اثبات‌پذیر بودن ارزش‌های واقعی

ارزش‌های واقعی را می‌توان بر اساس ارتباطی که با واقعیت‌های دیگر دارند اثبات کرد توضیح مطلب این‌که: ارزش‌ها گاه با واژه‌هایی همچون «خوب» و «بد» بیان می‌شوند و گاه با

کلمات «درست» و «نادرست» همچنین برای بیان وابستگی برخی ارزش‌ها به برخی دیگر از واژه‌های «باید» و «نباید» استفاده می‌کنیم چنان‌که می‌گوییم برای پیشگیری از بیماری کوید ۱۹، باید از واکسن مخصوص این بیماری استفاده کرد، این گزاره نشان می‌دهد که هدف مطلوب - پیشگیری از کوید - مستلزم انجام دادن کاری خواص (واکسن زدن) است و به این ترتیب مطلوبیت و ارزش هدف مزبور مستلزم مطلوبیت و ارزش این واکسن و استفاده از آن است. پس باید توجه داشت که همانگونه که واژه‌های «خوب» و «بد» در این‌گونه گزارش‌ها به معنای بیان سلیقه شخصی یا قرارداد جمعی نیست به کار بردن کلمات «باید» و «نباید» در این‌گونه موارد نیز صرفاً برای بیان دستور نیست بلکه بیان‌گر رابطه واقعی میان فعل فاعل و نتیجه آن است که از نوع رابطه علت و معلول و رابطه ضروری است و به این مناسبت آن را ضرورت بالقیاس می‌نامند. به همین دلیل است که ارزش‌ها در علوم عملی با واقعیت‌های دیگر در هستی ارتباط می‌یابند و گزاره‌های حاوی «خوب» «بد» «باید» و «نباید» در این علوم از گروه گزاره‌های مناسب حاوی «هست» و «نیست» قابل استنتاج و اثبات هستند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۴).

اسلام در جایگاه دین، عبارت از سیستم اعتقادی است که گزاره‌های آن به دو دسته «هست»‌ها و «بایدها» تقسیم می‌شوند. هست‌های آن، شامل وجود خداوند، انسان، دنیا و آخرت است. انسان در این مجموعه موجودی دارای قابلیت‌های رشد و کمال است که می‌تواند با استفاده از امکانات وجودی خود و جهانی که در آن می‌زیید، قابلیت‌های خود را به فعلیت رسانده، به کسب ملکات اخلاقی و تعالی معنوی و سعادت دنیایی و آخرتی دست یابد و یا به عکس، نه‌تنها توانایی‌های بلند مرتبه خود را به فعلیت نرساند، بلکه در این دنیای مملو از دسیسه‌ها و راه‌های گمراه‌کننده، عمر و توانایی‌های خویش را ضایع کرده، مسیر شقاوت را پیش گیرد. ضرورت منطقی و فهم عقلانی هر انسانی پس از شناخت «هست»‌ها اقتضا می‌کند که در پی یافتن «باید»‌هایی باشد که عمل به آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، وی را به کسب کمالات مطلوب و سعادت دنیایی و آخرتی رهنمون سازد و

وضعیت اجتماعی مناسبی را برای تربیت چنین انسان‌هایی فراهم آورد. سیستم اعتقادی اسلام در کنار مجموعه «هست»ها ارائه دهنده «باید»هایی است که مکمل عقل او و هادی رفتارهای او و جهت‌دهنده عواطف و احساسات او در راه رسیدن به کمالات پیش گفته هستند. خداوند، این سیستم اعتقادی را از طریق کتاب خود (قرآن) که پیامبر آن را به مردم عرضه می‌کند، فرود می‌آورد (ساجدی، ۱۳۸۱). با تبیین فوق به روشنی ارتباط بایدهای قرآنی و هست‌های آن و اثبات پذیر بودن آن‌ها فهمیده می‌شود.

در بیانیه گام دوم این مبنا این‌گونه بیان شده است: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» که در واقع همان عمل بر اساس واقعیات و ربط بایدها و هست‌ها به یکدیگر و قانون علی معلولی میان آنهاست. و در جای دیگر با دستور به توجه به واقعیت‌ها و اصل قرار گرفتن آن‌ها تأکید دوباره به این مبنا می‌نماید.

۵. ارزش ذاتی و غیری

برخی ارزش‌ها ذاتی، ناوابسته و غایی‌اند و برخی غیری، وابسته و ابزاری‌اند. چنان‌که قبلاً بیان شد، اهداف، افعال، اشیاء و اشخاص در علوم عملی مطلوبیت و ارزشی واقعی دارند اما برخی از آن‌ها ممکن است خود به خود مطلوب باشند و برخی به تبع چیزی دیگر، مطلوب واقع شوند. مثلاً کارهایی که ما با اختیار خود انجام می‌دهیم برای رسیدن به هدفی است و در واقع، مطلوب بودن این کارها به جهت مطلوب بودن اهداف است. اما آنچه هدف نهایی ما از انجام دادن کار است خود به خود مطلوب است، نه به جهت مطلوب بودن چیزی دیگر.

پس ارزش برخی از امور به ارزش چیزی دیگر وابسته‌اند، یعنی به آن جهت مطلوب هستند که در حکم واسطه یا ابزاری برای رسیدن به امور مطلوب دیگرند، این ارزش را ارزش غیری، وابسته و ابزاری می‌نامیم برای مثال در تعلیم و تربیت اهداف میانی، انواع فعالیت‌ها و روش‌های متناسب با این اهداف و نیز عوامل انسانی و غیر انسانی متناسب دارای این نوع

از ارزش هستند اما برای آن که اساساً مطلوبیتی وجود داشته باشد باید چیزی باشد که به خودی خود مطلوب واقع شود زیرا تسلسل در مطلوبیت‌ها محال است و بنابر این سلسله مطلوبیت‌های وابسته به مطلوبیتی ناوابسته منتهی می‌شود یعنی چیزی که خود به خود و ذاتاً مطلوب است، نه به جهت چیزی دیگر و خود غایت است نه ابزار و واسطه‌ای برای رسیدن به هدف دیگر، چنین ارزشی را ارزش ذاتی، ناوابسته و غایی می‌نامیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۵).

از دیدگاه قرآن آن‌جا که در سوره ذاریات می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» هدف و غایت زندگی انسان عبودیت (اطاعت و بندگی) است در واقع اشاره به ارزش ذاتی عبودیت دارد. و آن‌جا که رفتارهای حضرت خضر نبی تعریف می‌کند یا آن‌جا که اشاره به سبیل الی الله دارد، اشاره به ارزش‌های غیره دارد. به بیان بهتر ارزشمندی غایی از دیدگاه اسلام در پیوند با اطاعت و بندگی است و الزامات فردی و اجتماعی وابسته به آن است و ارزش آن‌ها از او ناشی می‌شود (امین مجد، ۱۳۹۱).

در بیانیه گام دوم انقلاب این دو نوع ارزش به وضوح دیده می‌شود: آن‌جا که در مقام بیان اهمیت اقتصاد می‌فرمایند: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. و در جای دیگر می‌فرمایند: اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. این عبارات نشان دهنده ارزش غیره اقتصاد است. به عنوان نمونه برای ارزش‌های ذاتی، آن‌جا که می‌فرمایند: «اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد.... و از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند.» به ارزش غایی اشاره دارند. یا در آن‌جا که به بیان ارزش عدالت می‌پردازند نیز اشاره به ارزش ذاتی دارند: «عدالت در صدر هدفهای اولیّه همه بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است». همچنین در این عبارت اشاره به اصولی می‌نمایند که می‌توان از آن‌ها تعبیر

به اصول ذاتی نمود: «در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نوبه نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند»

۶. وابستگی همه ارزش‌های واقعی به ارزش هدف نهایی

ارزش واقعی همه امور به ارزش هدف نهایی وابسته است بدین بیان که: برخی ارزش‌ها غیری و برخی ذاتی هستند با توجه به معنای ارزش ذاتی و غیری می‌توان نشان داد که تنها هدف نهایی، ارزش ذاتی دارد و ارزش همه امور دیگر غیری و وابسته به ارزش هدف نهایی است. از میان اموری که به ارزش متصف می‌شوند، اشیا و اشخاص از آن جهت که واجد ویژگی‌های ارزشمند هستند یا می‌تواند ما را در رسیدن به نتایج و اهداف مطلوب یاری کنند ارزشمند دانسته می‌شوند بنابراین ارزش آن‌ها غیری است. همچنین کارهای اختیاری همچون ابزاری برای رسیدن به هدفی مطلوب هستند و ارزش آن‌ها به ارزش هدف آن‌ها وابسته است و به این ترتیب افعال نیز ارزش غیری دارند.

اما خود اهداف از جهت مطلوب بودن تفاوت دارند زیرا از برخی اهداف که هدف مستقیم و بی‌واسطه کاری هستند، برای رسیدن به هدف دیگر استفاده می‌شوند. آن اهداف نیز ممکن است صرفاً اهداف واسطه‌ای و میانی باشند. این اهداف گرفته تا مقطعی ما این هدف به شمار می‌روند، اما در واقع از آن جهت که می‌تواند ما را به اهداف بالاتر و والاتری رهنمون شوند و زمینه را برای دستیابی به مطلوب‌های دیگر فراهم می‌کنند هدف قرار گرفته و مطلوب واقع شدند همه این اهداف به شهرهای بین راه، در حرکت به سوی مقصد نهایی شبیه هستند که وصول به آن‌ها به معنای پایان مطلوبیت و انتهای سیر و حرکت نیست و از این جهت می‌خواهیم به آن‌ها دست یابیم که راه ما به سوی اهداف دیگر از آن‌ها عبور می‌کند و دستیابی به اهداف دیگر، جز با حرکت به سمت آن‌ها و رسیدن به آن‌ها میسر نیست پس مطلوبیت و ارزشمندی این اهداف به جهت اهدافی دیگر است و به خودی خود مطلوب نیستند

بنابراین از میان همه اموری که موصوف ارزش واقعی قرار می‌گیرند تنها هدف نهایی

ارزش ذاتی دارد و ارزش آن منشا ارزش سایر امور است به عبارت دیگر ارزش سایر امور و ارزش هدف نهایی وابسته است به این ترتیب ارزش سایر اهداف، افعال، اشیا و اشخاص تنها به جهت آن است که در راستای هدف نهایی قرار می‌گیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۶).

در بیانیه گام دوم این اصل در مورد اقتصاد اسلامی پیاده شده و بدین بیان گفته شده است: اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.

و در مورد عدالت که ارزش ذاتی دارد می‌فرماید: عدالت در صدر هدفهای اولیه همه بعثتهای الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ عدالت کلمه‌ای مقدس در همه زمانها و سرزمینها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواحنافاده) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است.

۷. هدف نهایی قرب به خداوند

هدف نهایی کمال انسان (قرب به خداوند) است. بر اساس مبانی انسان شناختی منشأ و مطلوبیت هر امری برای انسانها به ذات اوست. به عبارت دیگر هر کسی از آنجاکه خود را دوست دارد در طلب چیزی برای خود برمی آید و به انجام کاری دست می‌زند دوست داشتن خود مستلزم دوست داشتن و طلب کردن کمال خود است بنابراین هر کس دوست دارد با انجام دادن کارهایی که او را به کمال می‌رساند به سمت این غایت و هدف آرمانی حرکت کند و با توجه به این که کمال حقیقی انسان در قرب به خداوند است بنابراین نتیجه می‌گیریم که هدف نهایی یعنی آنچه شایسته است مقصود نهایی قرار گیرد چیزی نیست جز قرب به خداوند متعال این مبنا در واقع هدف نهایی انسان و هدف نهایی تعلیم و تربیت

اسلامی است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۷).

در بیانیه گام دوم انقلاب با بیان این‌که به دنبال این هستیم تا به رتبه‌های رفیع انسانیت برسیم این مطلب به خوبی نشان داده شده است همچنین آن‌جا که می‌فرمایند: «آرمان بزرگش، ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نافذاه) است» با این مقدمه به این هدف نهایی اشاره می‌نماید که رسیدن به آمادگی برای ولایت امام زمان همان قرب و نزدیکی و بندگی خداوند است و این‌که انسان آماده برای ولایت امام زمان باشد در واقع نمود بیرونی و ظاهری قرب به خداوند است.

۸. ثابت و مطلق بودن اصول ارزشی و متغیر بودن ارزش امور دیگر

اصول ارزشی ثابت و مطلق‌اند و سایر امور متغیر و وابسته به تاثیرشان در هدف نهایی است با توجه به ذاتی و وابسته بودن ارزش هدف نهایی همه اموری که حقیقتاً موجب تقرب به خداوند می‌شوند بدون استثنا ارزشمند خواهند بود زیرا بنابر آنچه گفته شد اساساً ارزش همه امور دیگر وابسته به ارزش قرب به خداست.

اگر ویژگی مرتبه قرب به خدا را در نظر بگیریم می‌توانیم به اصول ثابت و مطلق در ارزش‌ها دست یابیم، انسان با تکامل حقیقی و وصول به مقام قرب الهی حقیقت وجود خود و نیز همه مخلوقات خدا را که این فقر و نیازمندی به خداوند هستند و در هیچ جهتی مستقل نیستند به روشنی و با علم حضوری و شهودی می‌یابد. از این امر نتیجه می‌شود که هر چیزی که بتواند انسان را به چنین شروط و علم حضوری آگاهانه برساند، همواره و بر همه انسان‌ها ارزشمند است. پس توحید (اعتقاد به یگانگی خداوند) و تنها مستقل دیدن او در همه امور از جمله توحید در عبودیت، رضا، توکل، محبت، خوف و رجاء که در واقع مستلزم دستیابی به همه فضایل حقیقی انسانی است دارای ارزش ثابت و مطلق است. اما بسیاری از اهداف میانی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی عوامل انسانی و غیر انسانی و روش‌های تعلیم و تربیت تنها در شرایط خاص می‌تواند دستیابی به هدف نهایی و قرب به خداوند تأثیر مثبت داشته باشد و طبعاً ارزش این امر ثابت و مطلق نیست بلکه محدود به همان

شرایط است برای مثال آموزش ستاره‌شناسی در صورتی که برای کشف و بیشتر نظم هستی و شناخت عمیق‌تر خداوند پیش‌بینی حوادث و کمک به انسان‌ها و مانند آن‌ها صورت گیرد امری مطلوب و ارزشمند است اما چنانچه فراگیری آن به جهت آمیختن آن با خرافات و فریب دادن دیگران را برای آسیب رساندن به دیگران باشد نه تنها ارزشمندی است که امری ضد ارزش به شمار می‌رود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸).

در بیانیه گام دوم انقلاب این اصل این‌گونه تبلور یافته است که به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش فاصله نمی‌گیرد. از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند. از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد. که نشان دهنده مطلق و ثابت بودن این ارزش است. اما در جای دیگر به‌طور صریح این اصل را بیان نموده و می‌فرماید: در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.

۹. مراتب داشتن ارزش‌های غیری

ارزش غیری دارای مراتب است، چنان‌که گفته شد ارزش غیری، ارزشی وابسته است یعنی ارزش آن وابسته به مقدار تاثیری است که در وصول به هدف نهایی دارد بنابراین از میان اموری که به ارزش غیری متصف می‌شوند هر چیزی که در نیل به هدف نهایی تأثیر فزونتر داشته باشد ارزشمندتر خواهد بود و هر مقدار که از تأثیر در این هدف کاسته شود ارزش آن نیز دچار کاستی می‌شود به این ترتیب ارزش غیری دارای شدت و ضعف و مراتب مختلف است.

این امر نشان دهنده آن است که از دیدگاه اسلام نمی‌توان برای ارزش‌گذاری صرفاً از معیار سلب و ایجاب یا صفر و یک استفاده کرد بلکه باید در اندازه‌گیری ارزش‌ها به پیوستگی ارزش‌ها و در مقایسه ارزش‌ها به برتری یکی بر دیگری توجه داشت. (مصباح

یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸).

در بیانیه گام دوم انقلاب با بیان کردن تعداد زیادی از ارزش‌ها و اولویت‌بندی بین آن‌ها به خوبی از این اصل استفاده شده است به عنوان مثال: «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود. و «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، معنا شود. همچنین آن‌جا که می‌فرمایند: استفاده از فرصت‌های مادی اقتصاد و تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است. ملاک‌های اقتصاد ارزشمند را تبیین می‌نمایند و وابسته به این ملاک‌هاست.

۱۰. تأثیر نیت و نوع کار اختیاری در ارزش آن

ارزش کار اختیاری وابسته به نوع کار و نیت فاعل است. ارزش کار اختیاری ارزش‌گیری است که بر حسب تأثیر آن در وصول به هدف نهایی شایسته تعیین می‌شود اما بر اساس قاعده سنخیت از مبانی هستی‌شناختی است هر کار با نوع یا انواع خاص از نتایج جنسیت دارد و برای رسیدن به نتیجه مشخص نمی‌توان از هر نوع کار بهره گرفت بنابراین نوع کار یکی از عوامل تعیین‌کننده ارزش این فعالیت‌هاست. از سوی دیگر کار اختیاری با خواست فاعل آن انجام می‌شود و تا جایی ادامه می‌یابد که فاعل برای انجام آن انگیزه کار داشته باشد همچنین انگیزه‌ها به افعال اختیاری جهت می‌دهند و از میان اهداف یک کار اختیاری با آن‌ها سنخیت دارد کار را به سمتی هدایت می‌کند که فاعل آن را تعیین می‌کند از این جهت انگیزه‌های درونی همچون نیرویی هستند که فاعل را به سمت هدفی خاص سوق می‌دهند البته انگیزه فاعل نیز تحت تأثیر بینش و گرایش است و به این ترتیب بینش و گرایش فاعل در تعیین هدف مورد نظر او دخالت دارند

بنابراین فاعل با انجام دادن کاری از نوع معین به چه نتیجه‌ای دست می‌یابد بستگی به این دارد که هدف نهایی مورد نظر فاعل چیست یعنی نهایت وصول به چه نتیجه‌ای را قطع

کرده است و برای چه هدفی آنرا کار را انجام می دهد به عبارت دیگر نیت فاعل در نتیجه ای که از کار اختیاری برای حاصل می شود مؤثر است از آنجا که ارزش کار اختیاری ارزش گیری و تابع نتیجه آن است نیت فاعل نیز از عوامل تعیین کننده ارزش کار اختیاری خواهد بود. پس ارزش کار اختیاری وابسته به نوع کار و نیت فاعل آن است و ارزش حقیقی کار معین از میان ارزش نتایجی که می تواند از آن کار حاصل شود برابر است با ارزش حقیقی هدف نهایی مورد نظر فاعل از آن کار، برای مثال، تحصیل علم ممکن است برای شهرت طلبی، خدمت به مردم با کسب رضایت الهی صورت گیرد اما ارزش آن در این سه حالت یکسان نیست بلکه در هر مورد به اندازه هدف نهایی مورد نظر ارزشمند خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰).

در بیانیه گام دوم انقلاب، این اصل این گونه تبلور یافته که قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی (ره) و رفتار و منش حضرت امام خمینی بیش از هر چیز باعث رواج معنویت در جامعه بود. که نشان دهنده عظمت نوع کار و همچنین نیت خالص این مرد الهی است. در جای دیگر با توجه دادن به این که رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. همچنین طبق این اصل بیان می کنند که اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند (اجازه ندهند که جهنمی ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند).

۱۱. انتخاب معقول در تراحم ارزش ها

در امور متزاحم ارزش برتر ملاک انتخاب معقول است. با توجه به مبانی پیشین کارهای اختیاری ارزش گیری دارند از سوی دیگر مبنای وجود تراحم در عالم ماده در

هستی‌شناختی به ما می‌گوید که ممکن است میان کارهای اختیاری تزامم رخ دهد یعنی چنین نیست که همه کارهای ارزشمند را بتوان با هم انجام داد برای مثال اگر چه نماز گزاردن و سخنرانی هر دو با شرایطی ارزشمند هستند اما نمی‌توان در حال نماز خواندن سخنرانی کرد، وجود تزامم میان کارهای اختیاری ما را ناگزیر از آن می‌سازد که در این گونه موارد دست به انتخاب بزنیم

با توجه به مراتب داشتن ارزش‌های غیری به مبنای دیگری در ارزش‌شناسی دست می‌یابیم که مربوط به امور متزامم است و آن این است که در موارد تزامم امور ارزشمند آن چه ملاک انتخاب معقول است در نظر گرفتن ارزش غیری برتر است. به عبارت دیگر در نظام ارزش‌ها باید چیزی را ترجیح دهیم که ارزش بیشتری دارد و این یعنی گزینش خوبتر از میان خوب و خوب‌تر یا مقدم داشتن اهم بر مهم. این نکته همچنین متضمن آن است که چنانچه ناگزیر از انتخاب میان بد و بدتر بودیم ترجیح دادن بد معقول است و این یعنی دفع افسد به فاسد. روشن است که با این ملاک در صورت تساوی دو کار متزامم از جهت ارزش، انتخاب هر یک از آن‌ها معقول است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱).

از این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که در همه مسائل متزامم، رعایت اولویتها لازم است مخصوصاً در ترجیح ارزش‌ها در موارد تزامم بین آن‌ها. چه بسیار تحقیقات و پژوهشهایی انجام می‌گیرد و بودجه‌هایی هزینه میشود که به خاطر عدم توجه به اولویتها آن تحقیقات هیچ ثمره‌ای ندارد. در قرآن میخوانیم در انفاق، اولویت با والدین و بستگان است «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ» (بقره، ۲۱۵) و در حدیث نیز میخوانیم: «لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُّحْتَاَجٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۸) پس با توجه به قرآن و روایات این اصل باید مد نظر قرار گیرد. (قرائتی، ۱۳۹۸، ص ۴۰)

رهبر معظم انقلاب در نامه خود به جوانان اروپا می‌فرماید: مگر چه معانی و ارزشهایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرتهای بزرگ است و چه منافی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی

گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید. این جملات نشان می‌دهند در تزاخم ارزش‌ها باید به فکر رجوع کرد همچنین در موارد بسیاری در بیانیه گام دوم به مسئله اولویت‌گذاری اشاره شده است و یکی از علت‌های مشکلات موجود، عدم رعایت اولویتهای معرفی می‌شود. و برای رعایت این اولویتهای باید مقایسه درست صورت بگیرد و معقول‌ترین گزینه ممکن انتخاب شود. در قسمت‌های دیگری به بیان اولویتهای مقعول می‌پردازد از جمله: مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.

دهه دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد. و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکتها و فعالیتهای فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی (ثروت و نفوذ و قدرت) است نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.

فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید.

میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمیینند، به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی‌عمل می‌شمارد.

۱۲. حد نصاب ارزش

قبلا گفته شد که همه ارزش‌ها به ارزش هدف نهایی قرب به خدا داراری ارزش می‌شوند

با این دیدگاه در اسلام کار اختیاری تنها در صورتی ارزشمند تلقی می‌شود که به نیت قرب به خداوند انجام شود اما روشن است که چنین نیتی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فاعل به وجود خداوند اعتقاد قلبی ایمان داشته باشد. همچنین بر اساس مبانی انسان‌شناختی کمال حقیقی انسان مربوط به روح جاویدان است که پس از مرگ باقی می‌ماند بر اساس تأثیر نیت در ارزش کار اختیاری دستیابی به این کمال بدون ایمان به بقای زندگی پس از مرگ و جاودانگی آن ممکن نخواهد بود. نیز بر اساس مبانی الهیاتی انسان برای یافتن راه کمال خود نیازمند هدایت تشریحی خداوند با واسطه انبیا است بنابراین کسی که به این راه هدایت ایمان ندارد نمی‌تواند در اکثر موارد راه کمال را تشخیص دهد تا آن را بپیماید.

به این ترتیب حد نصاب ارزش از دیدگاه اسلام ایمان به همان امور است که اصول دین نامیده می‌شوند و کارهایی که بدون آن صورت می‌گیرد تنها می‌تواند زمینه‌ساز نزدیک شدن به حد نصاب ارزش باشند وگرنه به خودی خود نمی‌تواند انسان را به هدف نهایی و سعادت حقیقی برسانند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱). در بیانیه گام دوم انقلاب، صراحتاً می‌فرماید ارزش‌ها باید با ایمان دینی مردم آمیخته باشد و برای ارزش‌ها حدنصاب تعیین می‌کند و آن ایمان دینی است، همچنین داشتن آرمانهای دینی و انقلابی توسط ملت و حفظ آرمانهای دینی و انقلابی توسط ملت را مهم می‌شمارد.

۱۳. راه تشخیص ارزش

به جز تشخیص ارزش ذاتی که از راه عقل میسر است تشخیص ارزش غیری و نیز تشخیص ارزش برتر تنها در موارد کلی از راه عقل میسر است یعنی در مواردی که عنوان موضوع و موصوف ارزش نشان دهنده تأثیر مثبت در نیل به کمال حقیقی است مانند ارزش عبادت خداوند و اخلاص در کارها برای او، عدالت و تربیت دیگران در مسیر کمال، اما در برخی از عناوین تشخیص تأثیر در کمال وابسته به تجربیات عملی است برای مثال علوم تجربی می‌توانند روش‌های مؤثر تعلیم و تربیت را تا حدودی معین کند البته تشخیص ارزشمندی این روش‌ها منوط به آن است که بدانیم در مجموع تأثیر منفی در کمال حقیقی

انسان ندارند اما آنچه باید بر آن تأکید کنیم این است که در اکثر عناوینی که بر فعل خاص دلالت دارند و خود عنوان گویای رابطه مستقیم با کمال انسانی نیست و تجربه نیز مصداقی از آن را ثابت نمی‌کند تنها راه تشخیص ارزشمندی کارها رجوع به وحی الهی و متون دینی است در این موارد هدایت تشریحی خداوند راه‌های رفتن به سوی کمال را به انسان نشان می‌دهد. همچنین تشخیص ارزش برتر در تزامن ارزش‌ها نیز بر اساس مضامین امکان‌پذیر خواهد بود پس طبق این مبنا نتیجه می‌شود که سیاست‌ها برنامه‌ها و نحوه بکارگیری عوامل و روش‌ها باید با ارزش‌های اصیل دینی که در متون دین اسلام آمده است منطبق باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱).

در بیانیه گام دوم انقلاب با نشان دادن راه نادرست تشخیص ارزش‌ها این‌گونه مطلب را روشن می‌کند که: حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهاد‌های آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. پس طبق این بیان یکی از راه‌های نادرست مشخص کردن ارزش‌ها دشمن است اما برای معرفی راه درست (که شامل تجربه و دین الهی است) این‌گونه می‌فرماید: از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، دهه دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد. در جای دیگر می‌فرماید: ارزش‌ها باید با ایمان دینی مردم آمیخته باشد، و در جای دیگر بیانیه بر داشتن و حفظ آرمانهای دینی بشدت تأکید می‌کنند. همچنین آن‌جا که می‌فرماید: ملاک بی‌مصرف و بی‌فایده نبودن: آن چیز با فطرت بشر در همه عصرها سرشته باشد. نیز در حال بیان راه ارزشگذاری امور هستند.

نتیجه

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دارای مبانی ارزش‌شناسی قرآنی قوی و مستدل می‌باشد و ارزش‌های مطرح شده در آن کاملاً قابل دفاع و استناد است. در تعریف ارزش مطلوب‌ها

مورد نظر است و موصوف این مطلوب‌ها رفتارهای اختیاری انسان است و این ارزش‌ها واقعی و قابل اثبات است. ارزش‌ها به دو دسته ذاتی و غیری تقسیم می‌شوند و ارزش‌های غیری ارزش خود را از ارزش‌های ذاتی می‌گیرند و آن هدف و ارزش نهایی همان تقرب به خداوند است. ثابت و مطلق بودن اصول ارزشی و متغیر بودن ارزش امور دیگر از دیگر مبانی مطرح شده می‌باشد، مبنای دیگر مراتب داشتن ارزش‌های غیری است که این ارزش‌ها رتبه و درجه یکسانی ندارند بلکه هر کدام که ما را بیشتر و کامل‌تر به هدف نهایی برسانند دارای ارزش بیشتری می‌شوند، از مبانی مسلم دیگر تأثیر نیت و نوع کار اختیاری در ارزش آن است و در نتیجه ما باید بین ارزش‌های متزاحم معقول‌ترین آن‌ها را انتخاب کنیم و حد نصاب این ارزش‌ها ایمان است و راه تشخیص ارزش‌ها عقد تجربه و دین است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. جمشیدی، محمد رضا، ۱۳۶۸، *ارزش و ارزش شناسی*، فرهنگ، ش ۴ و ۵.
۴. خالدی، سمانه، ۱۳۸۶، *ارزش ها و قوانین زندگی بهتر در قرآن*، حدیث زندگی، ش ۳۷.
۵. رهنمایی، احمد، ۱۳۹۷، *مبانی ارزش ها*، تهران، سمت.
۶. ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۱، *واقع‌نمایی گزاره‌های دینی*، قبسات، ش ۲۵.
۷. قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، *مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی*، ستاد اقامه نماز.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۹. هاشمی، حسین، ۱۳۷۷، *ملاک ارزش‌گذاری افعال*، پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۳.
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir.